



ولی بعد سخنرانی ایشان را بلافاصله لویی جرگه در خروجی، به صورت فارسی درآورده بودند که ما باز بعداً فارسی اش را هم نگاه کردیم. بعد از اینکه لویی جرگه تمام شد یک سری ملاقات‌هایی را با مسئولین ارشد امارت اسلامی داشتیم. اولین کسی که ما آنجا دیدیم یک مولوی بود که اسمش خاطر م نیست و وزیر اقتصاد طالبان بود.

#### «دین محمد حنیف...»

فکر می‌کنم بله، آقای «عبداللطیف نظری» هم همکار ایشان است. با ایشان یک ملاقات داشتیم و از اینکه به عنوان چهره شیعه آنجا حضور پیدا کرده بودیم بی‌نهایت ابراز خوشحالی کرد. بیشتر حرف ایشان این بود که شما تشویق کنید سرمایه‌گذاران افغانستانی ایران، بیایند اینجا. اینجا امنیت است، اینجا مال و جان‌شان در امان است بیایند فعالیت اقتصادی داشته باشند. حرف دیگر ایشان این بود که تمام تاجرهای بین‌المللی می‌توانند در افغانستان حضور پیدا کنند و با خیال راحت اینجا فعالیت‌های اقتصادی داشته باشند. شب را میهمان‌شان بودیم. حدود ۱۰ روز هم هتل کانترنتال محل اقامت‌مان بود که شب‌ها آنجا بودیم. روزها ملاقات می‌رفتیم. دو مین شخصی که ما بعد از دیدن آقای وزیر اقتصاد دیدیم، «سراج‌الدین حقانی» وزیر داخلی و وزیر کشور افغانستان بود که ملاقات در منزل زیادی ایشان انجام شد. شخصیت‌های مهاجری از پاکستان بایک گروه ۷۰ نفره آمده بود. آنها هفتاد نفر بودند، ما ۲۲ نفر بودیم. صحبت‌های خیلی خوبی آنجا شد. دوستان ما هم نیازمندی‌های خودشان را مطرح می‌کردند که در ایران نمازخانه نداریم یا دارالطلبه نداریم و محدودیت‌هایی است. روی هم رفته ما سکوت کردیم تا اینکه خود آقای سراج‌الدین حقانی گفت که این دوتا از برادران شیعه ما پشتون نمی‌فهمند، اینها از ما خفه که نشدند؟ ایشان از ما سؤال پرسید.

#### یعنی ناراحت نشدند...

بله، ناراحت نشدند. بعد آنها از ما پرسیدند شما ناراحت که نیستید؟ گفتم نه برای چه ناراحت باشیم. گفت خلیفه می‌گوید چون شما پشتون نمی‌فهمید و یک ساعت اینجا پشتون حرف زدیم شاید ناراحت شده باشید. پشتون آقای سراج‌الدین، پشتون خاصی است خیلی پشتون‌ها هم آن‌را نمی‌فهمند.